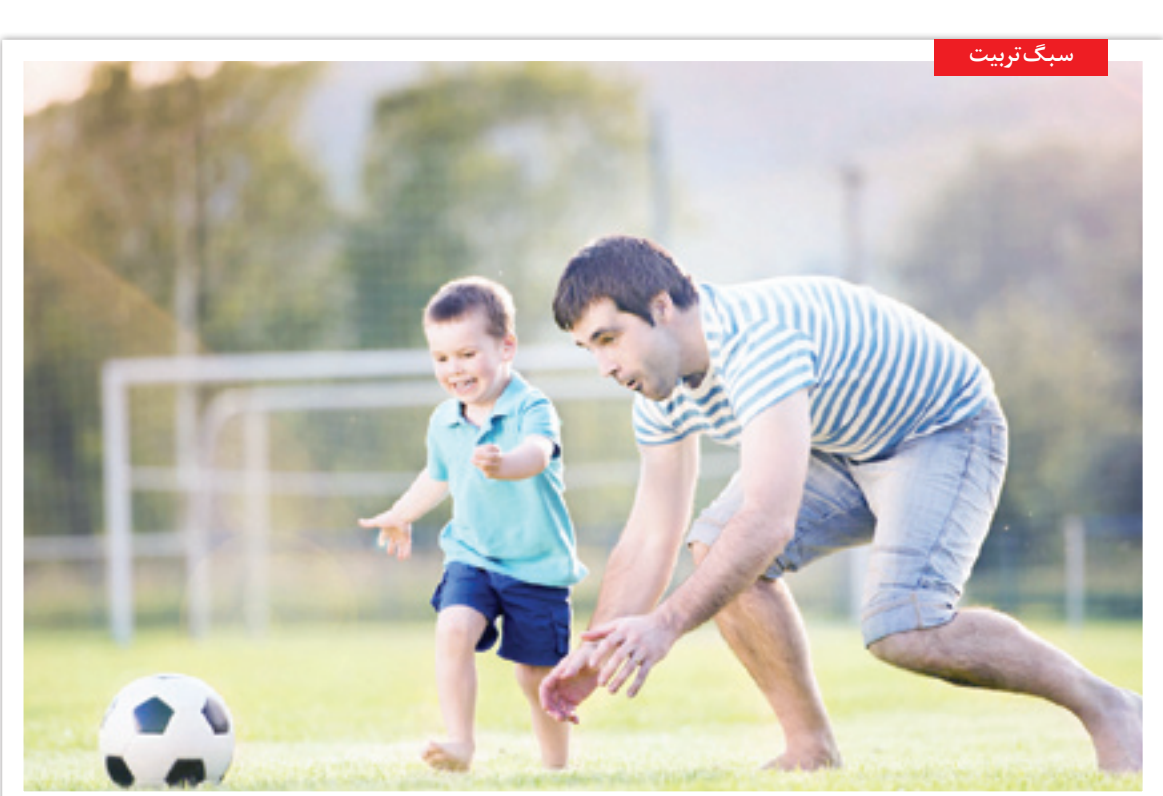


توجه به فرزندان به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است

والدگری با اعمال شاقه تا بچه‌ها موفق شوند!



■ تلخیص: سیمین جم
روزگاری خانواده‌های ثروتمند به فقرا فخر می‌فروختند که فرزندان شان آداب‌دان و توانمند تربیت شده‌اند، اما فرزندان فقرا به حال خود رها شده‌اند تا در کوچه و خیابان پر سه بزنند. حالا با افزایش سواد و گسترش آگاهی‌های عمومی، پدر و مادرهای فقیر هم وقت زیادی صرف پرورش استعداد‌های فرزندان شان می‌کنند، با این حال، اقبال بالادست جامعه هم بیگار ننشسته‌اند و عملاً تلاش برای تربیت بهتر بین همه اقبالر به رقابتی توان‌فرسا تبدیل شده است.

افزایش چشمگیر توجه و هزینه برای بچه‌ها
■ ■ ■

قطعی طی چند نسل، والدین میزان زمان، توجه و پولی را که برای بزرگ کردن بچه‌ها صرف می‌کنند به شدت افزایش داده‌اند. مادرانی که مشاغلی خارج از خانه دارند، درست به اندازه مداران خانه‌دار بر آورده بچه‌های‌شان مراقبت می‌کنند. میزان پولی که والدین برای بچه‌ها خرج می‌کنند که قبلاً وقتی بچه‌ها در دبیرستان بودند به اوج می‌رسید، حالا وقتی بچه‌ها کمتر از شش سال و بیشتر از ۱۸سال دارند و بیست‌و‌خرد‌های ساله هستند به بالاترین حد می‌رسد. آموزش و نظارت دائمی پدر بچه‌ها، از دهه ۱۹۹۰ برای والدین طبقه متوسط رو به بالا یک اصل بوده است، اما تحقیقات جدید نشان می‌دهد امروزه آدم‌هایی در تمام طبقات اجتماعی این روش را بهترین شیوه پرورش بچه‌ها می‌دانند، حتی اگر منابع لازم را برای اجرایش نداشته باشند. نشانه‌هایی از کنار گرفتن هم وجود دارد که والدین به اصطلاح «خانگی» بیشتر آن هستند، اما دانشمندان علوم اجتماعی می‌گویند که طاقت‌فرسایی والدگری در روزگار مدرن انگیزه‌ای قدرتمند دارد: «ثامنی اقتصادی». برای والدین فراهم کردن بهترین نقطه شروع در زندگی برای بچه‌ها به معنای این شده است که هر کار می‌توانند انجام دهند بچه‌های‌شان بتوانند به طبقه بالاتری بروند یا حداقل از طبقه‌ای که در آن به دنیا آمده‌اند، پایین‌تر نروند.

والدگری فشرده و هلی‌کوپتری

جسیکا کالاکو، جامعه‌شناس در دانشگاه ایندیانا و نویسنده کتاب «چانه‌زنی بر سر فرصت ها: چطور طبقه متوسط امتیازهایش را در مدرسه تضمین می‌کند»، می‌گفت: «والدگری فشرده شیوه‌ای به خصوص برای مادران مرفه است تا مطمئن شوند بچه‌های‌شان موقعیت برترشان را در جامعه حفظ می‌کنند.»

کلمه «parent» به شکل فعلی در دهه ۱۹۷۰ بود که رایج شد؛ هم‌زمان زمانی که کتاب‌های والدگری هم فوران کردند. دهه ۱۹۸۰ والدگری هلی‌کوپتری را با خود آورد، جنبشی برای حفظ امنیت بچه‌ها از آسیب فیزیکی که با آزارها و بچه‌زد‌ی‌های خبرساز بی‌نهایت نادر بودند و هستند). والدگری فشرده را اولین بار دانشمندان علوم اجتماعی از جمله شارون هیز و آنت لارو در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ توصیف کردند. این سبک تربیتی از یک تغییر اساسی در نحوه نگرش آدم‌ها به بچه‌های‌شان خبر می‌داد. بچه‌ها آسیب‌پذیر و شکل‌پذیر- شکل‌گرفته با تجربیات اوایل کودکی‌شان- دیده می‌شدند؛ ایده‌ای که با پیشرفت‌هایی در تحقیقات رشد کودک ربوبال گرفت.

خانم هیز در کتابش در سال ۱۹۹۸ با عنوان «متضادهای فرهنگی مادری» نوشت که نتیجه سبکی از والدگری «فرزندمحور، تحت‌راهنمایی متخصص، از نظر هیجانی جذاب، با کار فشرده و از نظر مالی بره‌زین‌ه» بود و انتظار می‌رفت مادران دائماً در حال تربیت فرزندان‌شان باشند.

زمانی که والدین در کنار فرزندان‌شان حضور دارند، تغییر چندانی نکرده است، اما والدین امروزی بخش

بیشتری از این زمان را به مراقبت از کودک با دخالت مستقیم اختصاص می‌دهند. زمان صرف‌شده برای فعالیت‌هایی مثل کتاب‌خواندن برای بچه‌ها، ساخت کار دستی، بردن‌شان به کلاس‌های آموزشی، شرکت در اجرا‌ها و بازی‌ها و کمک در تکالیف مدرسه بیشتر از همه افزایش یافته است. در مقایسه با یک ساعت و ۴۵دقیقه در سال ۱۹۷۵ برای چنین کارهایی، امروز مادران نزدیک پنج ساعت در هفته وقت می‌گذارند و نگرانند که این زمان کافی نباشد.

اوقات فراغت والدین، مثل ورزش یا معاشرت، احتمالاً بسیار بیشتر از سابق با بچه‌های‌شان می‌گذرد، با اینکه اخیراً پدرها زمان بیشتری را با بچه‌های‌شان می‌گذرانند، همچنان زمانی‌که مادران با بچه‌ها هستند، به طرز چشمگیری بیشتر است.

نظارت مستمر والدین بر فرزندان

محققان می‌گویند انتظارات بر تمام زوایای جامعه سایه افکنده‌اند، چه والدین بتوانند این انتظارات را بر آورده کنند، چه نتوانند. این قضیه از وقتی شروع می‌شود که بچه هنوز در شکم مادر است. به مادران گفته می‌شود در دوران بارداری از غذاهای سرد و قهوه اجتناب کنند، مابدا که به جنین آسیب برسد، بعد مانیئورهای ویدئویی کودک، غذای خانگی بچه، کیک تولد بدون قند، کلاس‌های موسیقی کودک نوپا، فقط شیردادن از سینه، اسپری کردن پاک‌کننده به دست‌ان کودک‌ان و زدن کرم ضدآفتاب «طبیعی» به دست‌شان، برگزاری میهمانی‌های تولد بی‌نقص، خوردن ناهار در کافه‌تری‌ای مدرسه بچه‌های‌شان و تماس با کارفرماها بعد از مصاحبه فرزندان بالغ‌شان برای کار.

آکادمی پزشکی اطفال امریکا مبلغ این ایده است

که والدین باید دائماً بر بچه‌ها نظارت داشته باشند و آموزش‌شان بدهند، حتی وقتی جواب واضحی ندارد که بهترین کار کدام است. حالا علم توصیه می‌کند نوزادان تا یک سال در اتاق والدین بخوابند. در اجرا‌ها و بازی‌ها و کمک در تکالیف مدرسه بیشتر والدین باشد تا شام بپزند یا گفت‌وگویی بزرگسال‌نه داشته باشند- برای آنکه میزان یادگیری به حداکثر برسد، باید «با یک همراه» باشد.

هم‌زمان کمی افزایش در حمایت از والدین کارمند مثل رخصتی با حقوق برای والدین، مراقبت رایانه‌ای از کودک یا برنامه‌های منعطف کاری به وجود آمده است و شبکه‌های همسایگی غیررسمی بین مادران خانه‌دار می‌گذرانند، همچنان زمانی‌که مادران با بچه‌ها هستند، به طرز چشمگیری بیشتر است.

پدر و مادری کردن بدون دخالت مستقیم

در کشورهای دیگر، پدر و مادری کردن بیشتر بدون دخالت مستقیم است. در توکیو، بچه‌ها از کلاس اول تنها‌ی سوار مترو می‌شوند و در پارکس، بچه‌ها بدون

حضور بزرگ‌تر‌ها، عصر‌های‌شان را در زمین بازی می‌گذرانند. والدگری فشرده در انگلیس و استرالیا محبوب شده است، اما به طور ملموس ریشه‌های امریکایی دارد که باز تاب‌دهنده دیدگاه پرورش کودک به عنوان یک وظیفه فردی است، نه وظیفه اجتماعی. کیتلین کالیز، جامعه‌شناس دانشگاه واشنگتن در سنت لوئیس است که کتابش «کار آمدکردن مادری: چطور زنان مشاغل و مراقبت را مدیریت می‌کنند» در فوریه ۲۰۱۹ منتشر شد. به گفته او، مسئله این است که باید «بدون کمک دیگران به جایی برسی. این قضیه حواس‌ها را از سؤال‌های واقعی پرت می‌کند، مثل اینکه چرا جایی امن برای تمام بچه‌ها نداریم که وقتی مدرسه‌شان تمام می‌شود و تا قبل از اینکه



والدین از سسر کار به خانه برگردند، به آنجا بروند؟» ایشیزو کاوا در مقاله‌ای جدید درباره والدگری روی گروهی ۳هزار و ۴۲۲نفره از پدر و مادرها مطالعه کرد که از سراسر کشور به عنوان نمونه انتخاب شده بودند. فرآغ از میزان کشور به عنوان نمونه انتخاب‌ها با بیشترین بهترین رهاکارها گران‌ترین انتخاب‌ها با بیشترین دخالت مستقیم هستند، برای مثال، آنها گفتند بچه‌هایی که بعد از مدرسه حوصله‌شان سر می‌رود، باید در کلاس‌های فوق‌برنامه ثبت‌نام کنند و نیز والدینی که سرشان شلوغ است، اگر لازم باشد، باید کارشان را متوقف و به بچه‌های‌شان توجه کنند.

آقای ایشیزو‌کا، پژوهشگر دوره پست‌دکتر‌ا در دانشگاه کورنل است و روی جنسیت و نابرابری مطالعه می‌کند. او می‌گوید: «والدگری فشرده واقعاً به مدل فرهنگی غالب برای نحوه بزرگ کردن بچه‌ها تبدیل شده است.»

سبک زندگی

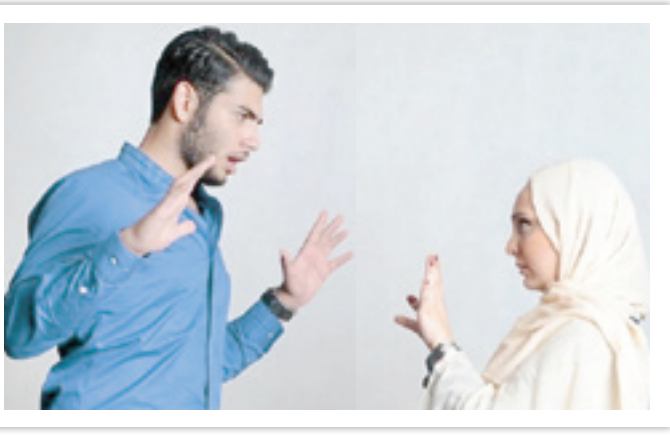
سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

سبک رابطه

دعوا نمک زندگی است

اما شورش را درنیاورید

کوچه آشتی کنان بن بست نیست



■ نیره ساری

دعوا نمک زندگی است اما اگر پایه و اساسی داشته باشد. گاهی ما دعوا می‌کنیم، چون جنگ اقتدار را دوست داریم و از درون حس ارزشمند بودن پیدا می‌کنیم و گاهی قهر می‌کنیم تا به قول معروف ناز ما را بکشند، چون دوست داشتنی بودن را نیاز داریم. گاهی دعوا می‌کنیم، چون دنبال بهانه هستیم تا روابط و داشته‌های فعلی خود را تعدا‌خراب کنیم. گاهی دعوا می‌کنیم تا جایی که موظف به توضیح هستیم، از باسخگویی فرار کنیم. موارد مطرح شده تنها مثال‌هایی برای دعو‌اهای بی‌پایه و اساس بوده، اما در بسیاری از موارد دعوا‌ی شکل گرفته برخاسته از دلایل منطقی است که موجب شده است آستانه تحمل طرفین پایین بیاید، یعنی خواسته‌های بحق و درستی که به دلایل مختلف ایجاد تشنج می‌کند.

دعوا نمک زندگی است!

دعوا و سه تعبیر درست تر اختلاف زن و شوهری در چارچوب مشخص، یعنی اهمیت دادن به شریک عاطفی خود و زندگی که برای ساختن آن در حلال تلاش هستند. چرا می‌گویند دعوانمک زندگی است چ‌راکه در نبود اختلاف تلاشی برای ساخته شدن وجود ندارد. دعوا نکردن شما با شریک زندگی تان ممکن است نشان از خستگی برای ادامه زندگی باشد یا اینکه از به اشتراک گذاشتن احساسات واقعی خود خسته باشید.از سویی بی‌اعتمادی برای بیان خواسته‌ها و نیازهای مختلف در زندگی مشترک و عاطفی بخش دیگری از دلایل شکل گیری دعواست. به هر حال اختلاف اجتناب‌ناپذیر است و همه زوج‌ها با یکدیگر بحث دارند اما اگر قوانین دعوا را رعایت کنیم، دعوانمک زندگی خواهد شد، در غیر این صورت دعوا‌ی شکل گرفته جز تخریب روابط حاصلی نخواهد داشت.

قبل از ادواج

قوانین دعوا را یاد بگیرد

در حالت کلی دعوا کنید اما کنایه نزنید، توهین نکنید، خوب بشنوید، در جمع روی مشکل تمرکز کنید. در دعو‌های دشمنی روئین بودن، فعالیت‌های انگیزشی و سبک‌های تربیتی حمایتی بهره می‌برند.به موازات اینکه والدین کم‌درآمد زمان آموزش و کتاب‌خواندن برای بچه‌های‌شان را افزایش داده‌اند، اختلاف آمادگسی بین دانش‌آموزان مهدکودکی که از خانواده‌های غنی و فقیر می‌آیند، تقلیل یافته است. همین‌طور با افزایش نظارت والدین، جرائم جدی علیه بچه‌ها کاهش چشمگیری داشته است، اما مشخص هم نیست که چقدر از موفقیت بچه‌ها در واقع با والدگری تعیین می‌شود. لیانا سابر، جامعه‌شناس و رئیس آزمایشگاه «مصرف زمان» در دانشگاه پرلند گفت: «بن هنوز هم مسئله‌ای مهم است که آیروش‌های والدگری خودشان باعث تفاوت می‌شوند یا صرفاً بزرگ‌شدن با والدینی با تحصیلات دانشگاهی در محیطی که از بسیاری جهات غنی‌تر است؟ فکر نمی‌کنم هیچ کدام از این مطالعات تا اینجا توانسته باشند جواب بدهند که آیا این بچه‌ها، به رغم همه چیز و فقط به خاطر منابع، در بزرگسالی هم موفق خواهند بود یا نه.»

از همه چیز گذشتن برای بچه‌ها

جنبش رویه‌شد‌ی علیه طاقت‌فرسایی والدگری در روزگار مدرن برپا شده است. یوتافانون والدگری خانگی را تصویب کرد که اگر والدین اجازه دهند بچه‌های‌شان، بدون نظارت، بازی یارفت‌وآمد کنند، از اتهام بی‌اعتنائی مبری هستند. روان‌شناسان درباره استرس زیاد بچه‌ها و وابستگی‌شان به والدین و نیاز به توسعه استقلال، اتکا‌به خود و استقامت هشد‌ارهایی داده‌اند. تحقیقات نشان داده است بچه‌هایی با والدین بیش از حد دخالتگر، اضطراب بیشتر و رضایت کمتری از زندگی دارند و نیز وقتی بچه‌ها بدون نظارت بازی می‌کنند، مهارت‌های اجتماعی، بلوغ هیجانی و عملکرد اجرایی خود را بیشتر پرورش می‌دهند.

والدین به‌ویژه مداران، در برابر مطالبات این شیوه والدگری، احساس استرس، خستگی و گناه می‌کنند، به ویژه وقتی مشاغل هستند. مطالعه نحوه استفاده امریکایی‌ها از زمان نشان می‌دهد زمانی که زنان برای والدگری صرف می‌کنند به قیمت گذشتن از خواب، خلوت با شریک زندگی و دوستان، اوقات فراغت و انجام کار‌های خانه تمام می‌شود. بعضی‌ها هم وقعه‌ای در شغل‌شان ایجاد می‌کنند یا حتی تصمیم می‌گیرند بچه‌دار نشوند.

« نقل و تلخیص از: وسای‌ت ترجمان نوشته: گلر کین میلی / ترجمه: میترا دانشور مرجع: نیویورک تایمز

شما بعد از مدت کوتاهی آشتی می‌کنید و همه چیز را فراموش خواهید کرد اما جزئیات دعو‌ایی که برای پدر و مادر خود تعریف کردید از ذهن آنها پاک نمی‌شود و با تغییر نگاه به شما زندگی و همسر تان باید منتظر دخالت‌های آنها در زندگی خود باشید

نگذارید اصل حرف در گیر حاشیه‌هایی شود که شما را به نتیجه نمی‌رساند.

- خود را جای طرف مقابل بگذارید.

- هیچ یک از طرفین تهدید به طلاق و جدایی نکنند.

نکات قابل توضیح

در بحث فرزند و خانواده

چند نکته قابل توضیح در اینجا وجود دارد ابتدا اینکه بعد از دعوا زومی ندارد جزئیات در گیری را به دیگران به خصوص خانواده خود بازگو کنید. در حضور پدر و مادر تمام جزئیات را بیان نکنید. اولاً که پدر و مادر طرف قضאות می‌کنند، ثانیاً عز بزرگترین فرد زندگی خود را نزد خانواده خودتان خراب می‌کنید. شما بعد از مدت کوتاهی آشتی می‌کنید و همه چیز را فراموش خواهید کرد اما جزئیات دعو‌ایی که برای پدر و مادر خود تعریف کردید از ذهن آنها پاک نمی‌شود و با تغییر نگاه به شما و زندگی و همسر تان باید منتظر دخالت‌های آنها در زندگی خود باشید. نکته بعد اینکه مراقب آثار دعوا مقابل فرزند‌ان باشید. در حضور فرزندان دعوا نکنید که تابودکننده زندگی مشترک است. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات والدین این است که جلوی چشمان وحشتزده و معصوم فرزندان دعوا‌ی می‌کنند اما در خلوت بد نفره و دور از چشمان آنها آشتی می‌کنند. فراموش نکنید تقصیری کسی را دوست نداشتی، حتی در زمان دعوا کردن هم در یک تیم هستید. خراب کردن دیوار اعتماد و همراهی و سازشی که ثانیه به ثانیه برای آن وقت گذاشته‌اید در لحظه‌ای فرو می‌ریزد، ی آنکه متوجه باشید. شاید بعد از مدتی از این تخریب ناگهانی بنشینم خود‌ا‌ما به دلیل شدت تخریب ناگهانی و رفتار نامصحیح در دعوا، بازگشت برای شما سخت و در برخی موارد غیرقابل انجام باشد. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده شادترین و موفق‌ترین ازدواج‌ها آنها‌یی است که زن پس از دعو‌ا و جروبحث هر چه سریع‌تر کنترل و آرامش خود را به دست آورد.

عذر خواهی بموقع و صحیح

در اوج دعوا به کار بردن کلمه خشک و سرد «بخشید» را بر زبان آوردن دردی را دود نمی‌کند، بلکه باید سعی کنید اوضاع آرام شود و بعد از آن عذر خواهی کنید. پایان واقعی دعو‌ای زن و شوهر‌ی «پذیرش» است. پذیرش یعنی پذیرفتن اینکه من کامل نیستم. پذیرفتن آدم‌ها با تمام نقص‌های‌شان، پذیرفتن شرایط با تمام سختی‌هایش، پذیرفتن انتظار نداشتن از دیگران، پذیرفتن اینکه گاهی من هم اشتباه می‌کنم، اینکه خودم مسئول زندگی خودم هستم و دانشتن پذیرش در زندگی، یعنی مهر پایان بر تمام دعو‌اها و اختلاف‌ها زده شود. دعوانمک زندگی است، اما فراموش نکنید قهر کردن یک نوع خشم و حسبنانیت مودانه است که می‌تواند به روابط آسیب جدی بزند. هر حجر و بحث غیرسازنده‌ای دلخوری ایجاد خواهد کرد که به مرور باعث فاصله گرفتن می‌شود و زندگی را به سمت ناراضیتی سوق خواهد داد. تا جای ممکن از جروبحث و دعو‌ای بی‌نیجه و غیرسازنده پرهیز کنید. کوچه آشتی کنان بن بست نیست. پیدا کردن راه آشتی به عوامل مختلفی بستگی دارد.مطالعات نشان می‌دهد به طور کلی «تعامل برای حل مشکل»، «وقت گذراندن با یکدیگر» و «سازش» رفتارهایی است که زن و شوهر می‌توانند بعد از دعوا‌ا یکدیگر داشته باشند. به ترتیب بزرگترین و مؤثرترین روش‌ها برای آشتی بعد از دعوا اجتناب‌ناپذیر است اما رعایت قوانین دعوا‌ا اصل دعوا مهم‌تر است. چگونگی حل اختلاف، هنر حفظ رابطه است و در نهایت باید به نتیجه‌ای رسید که مورد رضایت هر دو طرف باشد.